

نظامهای فکری و علمی در عصر ساسانی



مطالبی که در این مقاله است
ممکن است عجیب بنظر آید
ولی با توجه به مدارك زنده
آن باید قبول کرد و سپس به
اهمیت خدمتی که اسلام به
کشور ما کرده است پی برد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- مقدس شمردن آب و خاک و آتش
اکثریت مردم آنروز ایران به مقتضای تعالیمات
مذهبی، آتش، و همچنین آب و خاک را مقدس میدانستند
و در برابر آتش و خورشید عبادت میکردند و قربانیها
و نیازها به پیشگاه آتش تقدیم مینمودند و آلوده کردن
آنها را گناه بزرگ میدانستند!

« کریستن سن » ایران شناس دانمارکی در این
باره مینویسد: « نصوص متعدده اوستا ثابت میکند
که پرستش عناصر طبیعی از اصول دینانت زرتشتی
بوده چنانکه میدانیم زردشتیان کمال مواظبت را

مقارن ظهور اسلام، نظامها و سنتهای نامعقولی
در کشور ما رواج داشت که مانع تبلور شخصیت و
نبوغ بوده نمیکذاشت عامه مردم حقوق و حیثیت
واقعی خود را احراز نمایند.

نظامهای غلط و سنتهای ناپسندی که در ایران
آنروز معمول بوده و همانند زنجیری دست و پای
مردم این منطقه را بسته نارضائی عمومی تولید کرده
منتظر يك تحول همه جانبه بوده اند، صرفنظر از
اموریکه در مقاله های گذشته مورد بررسی قرار گرفت
عبارتند از:

ودرمیان آب نیز نیافکنند تنها وظیفه‌ای که داشتند این بود که آنها را در «دخمه‌ها» گذاشته تا طعمهٔ پرندگان لاخور گردند!

و نیز حق نداشتند در آب گرم استحمام کنند و چنین کاری گناه بزرگ شمرده میشد و به طور کلی از آلوده کردن آب و خاک و آتش می‌باید خودداری نمایند و گرنه به عقوبت الهی گرفتار خواهند شد « کریستن سن » در بارهٔ مراسم آتش پرستی زردشتیان ساسانی چنین مینویسد: «مراسم نیایش آتش در یکی از نسکهای اوستا موسوم به «سودگر» به این شرح آمده است: آتشکدهٔ پرازبوی کندر و دیگر مواد معطر بود. یک نفر روحانی برای اینکه از نفس خود آتش را نیالاید دهان بندی بنام «بی‌تی‌دان» بسته و آتش را با قطعات چوبی که با مراسم مذهبی تطهیر شده بود مشتعل نگه میداشت. این چوب غالباً از نباتی موسوم به «هذان‌ای‌پتا» بود.

باری آن روحانی دم‌بدم به وسیلهٔ دستهٔ چوبی که «برسم» میخواندند و مطابق آداب خاص بریده و تهیه میشد آتش را بهم میزد و مشتعل میکرد و ادعیهٔ معینی را زمزمه میکرد. سپس روحانیون «هوم» (۴) نثار میکردند، درائتای تلاوت ادعیهٔ مقدسه با سرودن قسمتهای اوستا روحانیون شاخهٔ نبات «هوم» را پس از تطهیر درهاون میکوبیدند» (۵)

داشته‌اند که آب و آتش و خاک را آلوده نکنند... ایرانیان احترام آب را بیش از هر چیز واجب میشمردند چنانکه حتی بعضی صورت خود را در آب نمی‌شستند و جز برای آشامیدن و آب دادن به نباتات به این عنصر مقدس دست نمیزدند... آتش مشخص و مجسم که در اوستا «آتر» و در زبان فارسی متوسطه «آذر» میباشد، اکثر پسران هورامزدا خوانده شده» (۱)

در آئین مزدیسنا ساسانی خورشید مقام فائقه دارد که یزدگرد دوم اینطور به آن سوگند یاد میکند: «قسم به آفتاب، خدای بزرگ که از پرتو خویش جهان را منور و از حرارت خود جمیع کائنات را گرم کرده است» (۲)

«الیزه» عبارت ذیل را از زبان رئیس خلوت پادشاه ایران نقل میکند: «شمانی توانید از پرستش خورشید امتناع بورزید زیرا که خورشید از پرتو خود عالم را روشن میکند و با گرمی خویش غذای انسان و حیوان را میرساند و بسبب خون بیدریغی که گسترده و سخای شاملی که دارد، او را خدای مهر نام داده‌اند زیرا که در ذات او نه مکر و تزویر است و نه جهل و غفلت مهر خدایی قادر است و پسر خدای او یاور دلیر خدایان هفتگانه است» (۳) احترام و قداست امور یاد شده ایجاب میکرد مرده‌ها در زمین دفن نکنند و در آتش نیز نسوزانند

(۱-۲-۳) ایران در زمان ساسانیان ص ۱۶۸-۱۶۴-۱۶۶

(۴) یکنوع گیاهی است دارای ساقه‌های باریک و سخت و برگهای ریز، گل آن زرد تیره و شبیه به

یاسمین (فرهنگ عمید ص ۱۲۶۴ تحت عنوان «هوم‌المجوس»)

(۵) ایران در زمان ساسانیان ص ۱۸۶

و حق کسی شناخته شود به شمار میرفت ...
وی از هر لحاظ در تحت سرپرستی و قیمومیت
رئیس خانوار که «کتمک ختای» (کدخدای) نامیده
میشد، قرار داشت. این رئیس خانوار ممکن بود که
پدر یا شوهر و یا در صورت مرگ آنها جانشین آنها باشد
اختیارات این قیم یا رئیس خانوار، کمتر محدودیتی
داشت.

تمام هدایائی که احياناً به زن یا به کودک داده
می شد و یا آنچه که آنها بر اثر کار و غیر آن تحصیل
میکردند، عیناً مانند درآمدهای اکتسابی
بر دگان همه متعلق به این رئیس خانوار
بود!

در مورد اختیارات پدر صریحاً ذکر شده است که
وی می تواند کودک خود را از خود براند و یا
بفروشد و آنها هم بعنوان «برده» و یا حتی بمنظور کشتن
و لطمه وارد ساختن به آنها.

در مسائل حقوقی غالباً دشوار است که تفاوت حقوقی
میان يك زن آزاد و يك «برده» گذارده شود (۲)
«گریستن سن» درباره نظام خانوادگی در عصر
ساسانیان اینطور مینویسد: «اصل تعدد زوجات اساس
تشکیل خانواده بشمار میرفت، در عمل عده زنانی
که مرد میتواند داشته باشد به نسبت استطاعت
او بود، ظاهراً مردان کم بضاعت بطور کلی بیش از
يك زن نداشتند ...»

یکی از زنان «سوگلی» و صاحب حقوق کامله
محسوب شده و او را «زنی پادشاییه» یا زن ممتاز

البته اجزای این مراسم مستلزم تشریفاتسی
طولانی و پیچیده بود که ما از ذکر بیشتر آنها خود-
داری میکنیم و طالبان را به کتاب «ایران در زمان
ساسانیان» حواله میدهیم.

بسیار روشن است که این طرز تفکر و اجرای این
این نوع مراسم چه عواقب سوئی از لحاظ رکود
صنعت و کشاورزی و دریاپیمائی و غیره بدنبال خواهد
داشت و طبق عقیده بسیاری از دانشمندان محقق،
همین تعلیمات سبب شده بود که ایرانیان آنروز، از
لحاظ فنون و صنایع عقب بمانند.

«منتسکیو» حقوق دان معروف در کتاب «روح-
القوانین» در این باره چنین مینویسد. «مذهب
زرتشت دریاپیمائی را منع کرده بود زیرا
در آئین زرتشت رعایت نظافت آب که یکی از عناصر
پاک است تأکید شده باین جهت به کشتی رانی
توجه نمیشده است که آب کثیف نشود (۱)

۲- نظام خانوادگی

پروفیسور کریستیان بارتلمه» به استناد «مادیگان
هزار دادستان» که در عصر ساسانی نگاشته شده کتابی
بنام «زن در حقوق ساسانی» نوشته است و در آن
کتاب درباره حقوق و شخصیت زن در آن عصر چنین
مینویسد: «در امپراطوری ساسانی زن شخصیت
حقوقی نداشت یعنی زن شخص فرض
نمیشد بلکه شیء پنداشته میگردد. به
عبارت دیگر وی شخصی که صاحب حقی باشد
بشمار نمیرفت بلکه چیزی که میتوانست از آن کسی

(۱) روح القوانین طبع سوم ص ۳۵۴

(۲) زن در حقوق ساسانی ص ۱۲

شرط نبود در اینصورت شوهر دوم حق دخل و تصرف در اموال زن را نداشت و فرزندی که از این ازدواج متولد میشدند، متعلق به خانواده شوهر اول بودند و مانند فرزندان او محسوب میشدند... این عمل را از اعمال خیر میدانستند و کمک به یک همدین تفکدست می‌شمرند !! (۳)

ازدواج با محارم

«کریستن‌سن» درباره اصل و فلسفه ازدواج با محارم در میان زردشتیان چنین مینویسد: «اهتمام در پاکی نسب و خون خانواده یکی از صفات بارزه جامعه ایرانی بشمار میرفت تا بحدی که ازدواج با محارم را جائز می‌شمردند و چنین وصلتی را «خویندوگس» و در اوستا «خوایت و دث» می‌خواندند.

این رسم از قدیم معمول بود حتی عهد هخامنشیان اگر چه معنی لفظ «خوایت و دث» در اوستای موجود مصرح نیست ولی در نسکهای مفقود، مراد از آن بی‌شبهه مزاجت با محارم بوده... این عمل دارای پاداش زیاد و ازین برنده معاسی کبیره است...

با وجود اسناد معتبری که در منابع زردشتی و کتب بیگانگان معاصر عهد ساسانی دیده می‌شود، کوششی که بعضی از پارسیان جدید (مانند نویسنده کتاب یکتا پرستی در ایران باستان زناشوئی در ایران باستان) برای انکار این عمل یعنی وصلت با اقارب میکنند بی‌اساس و سبکسرانه است (۴) پروفوسور «بارتلمه» نیز در این باره چنین مینویسد:

میخوانده‌اند. از او پست‌تر زنی بود که عنوان خدمتکاری داشت و او را «زن خدمتکار» (زنی چکارها = چاکرزن) می‌گفتند.

حقوق قانونی این دو نوع زوجة مختلف بود... شوهر مکلف بوده که مادام‌العمر زن ممتاز خود را نان دهد و نگهداری نماید. هر پسرى تاسن بلوغ و هر دختری تا زمان ازدواج دارای همین حقوق بوده اند اما زوج‌هایی که عنوان چاکرزن داشته‌اند فقط اولاد ذکور آنان در خانواده پذیرفته میشده است در کتب پارسی متأخر (۱) پنج نوع ازدواج شمرده شده است ولی ظاهراً در قوانین ساسانی جز دو قسمی که ذکر شد قسم دیگری نبوده است (۲)

هر گاه شوهری بزنی خود میگفت: «از این لحظه تو آزاد و صاحب اختیار خود هستی» زن بدینوسیله از نزد شوهر خود طرد نمیشد ولی اجازت می‌یافت بمنوان «زن خدمتکار» شوهر دیگری اختیار کند...

فرزندانی که در ازدواج جدید در حیات شوهر اولش می‌آورد از آن شوهر اولش بود یعنی زن تحت تبعیت شوهر اول باقی میماند!

شوهر حق داشت یگانه زن خود را یا یکی از زنانش را (حتی زن ممتاز خود را) به مرد دیگری که بی‌آنکه خود قصوری کرده باشد محتاج شده بود، بسپارد (عاریه بدهد) تا این مرد از خدمات آن زن استفاده کند **رضایت زن (در اینکار)**

(۱) مراجعه شود به کتاب «زناشوئی در ایران باستان» ص ۳۰

(۲-۳) ایران در زمان ساسانی ص ۳۶۶-۳۴۷-۳۵۴

(۴) ایران در زمان ساسانی ص ۳۴۸-۳۵۴

نخست راضی نمیشدند که شوهر و برادر آنان بچنین سفر پر خطری یعنی معراج به آسمان و سفر بدوزخ تن در دهد» (۱)

البته تنها «اراد و یراف» نیست که با محارم خود (خواهران) ازدواج کرده تاریخ افراد زیادی از زردشتیان را نقل میکند که با محارم خود ازدواج نموده اند مانند: «وهرام» - «مهران» گشنسب - که بوجیه داریوش، با خواهرانشان وارد شیر و داریوش با دخترانشان ازدواج نموده اند (۲)

در شماره آینده نظام طبقاتی در عهد ساسانیان را مورد بررسی قرار میدهم.

«... ازدواج خواهر و برادر در عصر ساسانیان به ویژه در میان بزرگان کشور یک امر شایع بوده و یک عمل بسیار خدابسنده بشمار میرفته است، بسیاری از دانشمندان زرتشتی در امروز سخت مایلند که حداقل بزرگان افسانه‌های مذهبی خود را با تفسیرهای شجاعانه مواد صریح موجود در ادبیات خود، از قید زناشویی با خواهران خود برهانند لیکن اتفاقاً در مدح یکی از همین بزرگان که بسیار مورد توجه است و «مقدم بر دانه» در سفر بهشت و دوزخ بشمار میرود (منظور «اردا و یراف» مؤبد عصر اردشیر و شاپور اول است) بطور صریح ذکر میشود که وی هفت خواهر خود را بزنی داشته است و این خواهران

همه از یک ریشه‌اند

مردم! پروردگار شما یکی است و همه فرزندان یک پدر هستید همه فرزندان آدمید و آدم از خاک است!

هیچکس بردیگری، جز به پرهیزگاری، برتری ندارد.

خدایا گواه باش... آنچه باید بگویم گفتیم؟

- حاضران همه عرض کردند آری گفتی...

- پس حاضران به غایبان برسانند.

پیغمبر گرامی اسلام (ص)